



دوربین به دست در چهار گوشه ایران

چرا انتقادات مهناز افشار شبیه غروندهای «توی تاکسی» است؟



۱۰

۱۲

هیچ وقت دوست نداشتم مثل فروغ رفتار کنم

فرهنگ

چهارشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۷ : شماره ۵۳۲۲



امروز چی داریم؟

کی گفته جشنواره

تموم شد؟

اگر فکر می‌کنید جشنواره فیلم فجر تمام شده و جایش يك كرتی كشدار و تکراری خبری نشسته است سخت در اشتباهید! جشنواره که تمام می‌شود در حقیقت جشنواره آغاز شده و گاه تا آغاز جشنواره فیلم سال بعد هم ادامه پیدا می‌کند. آن هم جشنواره فیلم امسال که از همان مراسم افتتاحیه با حاشیه‌های عجیبی همراه بود. مراسم اختتامیه این جشنواره هم از حاشیه خالی نبود و حسابی برای رسانه‌های مجازی و چاپی خوراك خبری جور کرد. حالا از حاشیه‌ها که بگذریم در همین صفحه نقد و نگاه محمدصادق علیزاده دبیر گروه فرهنگی را درباره این جشنواره بخوانید و ببینید او چه اتفاقات تازه و متفاوتی را در جشنواره امسال پیدا کرده و درباره‌شان نوشته است. درست است که سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر تمام شده، اما رسانه‌ها حالا حالاها با این رویداد کار دارند و طبیعی است که بی خیالش نشوند. بگردند ببینند منتقدان مختلف چه می‌گویند، کدام بازیگرها ناراضی هستند و چه حاشیه‌هایی گریبان جشنواره‌پایان یافته را هان می‌کند. خلاصه که جشنواره برای ما جام‌چی‌ها هم تمام نشده و امروز علاوه بر مطلب علیزاده، دو خبرنگار دیگر گروه فرهنگی هم سراغ همین موضوع رفته‌اند. در صفحه ۱۰ صابر محمدی رفته سراغ حاشیه‌هایی که مهناز افشار در توئیتر ایجاد کرده است، او بعد از اعلام نتایج جشنواره توپیتی نوشت و آن را پس گرفت. در مطلب صابر می‌توانید تمام آنچه را که به این اتفاق مربوط است بخوانید. در همین صفحه هم فاطمه شهردوست رفته سراغ طهماسب صلح جو، منتقد سینما و با او درباره‌کم و کیف جشنواره حرف زده و ماحصل آن را در یک یادداشت شفاف‌ی برایتان نوشته است.

علی رستگار هم که هنوز عرقش سرد نشده همچنان از جشنواره نوشته است. در صفحه سینمای ایران امروز هم به نوعی ادامه گزارش او از روز قبل را می‌توانید بخوانید. او روز گذشته به بهانه پایان جشنواره نگاهی داشت به چند فیلم به نمایش درآمده در جشنواره که فرصت پرداخت به آنها در روزهای جشنواره فراهم نشد. در گزارش امروز علی رستگار می‌توانید درباره فیلم‌های سونامی، جان دار، قسم و البته ماجرای نیمروز در خون بخوانید.

امروز سالمرگ فروغ فرخزاد، شاعر معاصر ایران است. محمدرضا کائینی که چند وقتی است روزهای چهارشنبه صفحه تاریخ را منتشر می‌کند این بار گفت‌وگوی منتشر نشده‌ای از زنده یاد پوران فرخزاد رو کرده است که حرف‌های ناگفته جذابی را می‌توانید در آن پیدا کنید. این گفت‌وگو آن‌طور که محمدرضا کائینی می‌گوید در حاشیه جلسات ادبی روزهای دوشنبه پوران فرخزاد صورت گرفته و از زندگی و جهان شعری فروغ می‌گوید. [ادامه در صفحه ۱۰](#)



نمایی از فیلم رد خون به کارگردانی محمدحسین مهدویان



نگاهی به سونامی، جان دار، قسم و ماجرای نیمروز در خون
که قصه‌های پرخونی دارند

آماده باش سازمان انتقال خون!

يك ويترين رنگارنگ

به جز دو مورد قبلی، آنچه به عنوان يك عامل مهم می‌تواند در ارزیابی جشنواره امسال مدنظر قرار گیرد، تنوع گونه‌های فیلم‌های جشنواره است. دست سینمای ایران در جشنواره امسال در حوزه‌های مختلف به نسبت آنچه که در سال‌های گذشته می‌دیدیم، برتر بود. هرچند این ویتترین تا رسیدن به نقطه ایده‌آل خود فاصله زیادی دارد با این حال همین وضعیت فعلی در سال‌های گذشته تنه به تنه رویا می‌زد. این که جشنواره از محلی برای عرضه فیلم‌های اجتماعی سنگین و سیاه تبدیل به ویتترین رنگارنگ از آثار مختلف شده است - که از آثار حوزه دفاع مقدس و تاریخ معاصر تا فیلم‌های معمایی و جانی و اجتماعی در کنار آثار هنر و تجربه‌ای، جا و سهمی در ویتترین جشنواره دارند - چیزی نیست که بشود آن را نادیده گرفت.



تكنيك چاق، تخيل لاغر

آثار حاضر در جشنواره سال جاری بر يك فرضیه دیگر هم خط بطلان کشیدند. هرچند از سینمای ایران با تولید سالانه حدود صد فیلم جدی انتظار نمی‌رود تنه به تنه هالیوود بزند، اما پوشاندن انتقادهای وارد بر آثار با اتکا به دلالی مانند ضعف فنی سینمای ایران از جمله گزاره‌های متواتری بود که در همه این سال‌ها به گوش می‌رسید. حالا و در جشنواره سی‌وهفتم آثار به تصویر کشیده شده‌اند که در ادامه جشنواره سال گذشته، توانایی فنی و تکنیکی موجود در سینما را بسیار بالاتر از آنچه تصور می‌شد، به رخ می‌کشند. تبلور توانایی‌ها و تکنیکی‌های فنی در آثاری مانند تختی (بهرام توکلی)، ماجرای نیمروز در خون (محمدحسین مهدویان)، مسخره‌باز (همایون غنی‌زاده)، متری شش و نیم (سعید روستایی)، بیست و سه نفر (مهدی جعفری)، سرخ‌پوست (نیما جاویدی) و سمفونی نهم (محمدرضا هنرمند) چیزی نیست که بشود چشم روی آن بست و سوت‌زنان از کنارش رد شد. آثاری که با انتخاب يك مسیر سخت به مخاطبان و منتقدان نشان دادند که با همین بضاعت فعلی سینما هم می‌شود آثار قابل تاملی خلق کرد که هم مخاطب خاص را به حیرت وادارد و هم مخاطب عام را به تشویق. با این حال، این وضعیت علاوه بر آن‌که يك نقطه قوت را به تصویر می‌کشد، در عین حال نشان دهنده يك نقطه ضعف هم هست و آن قحطی تخیل در وضعیت فعلی سینماست. همان چیزی که در بیانیه هیات داوران هم با اشاره به نحیف بودن فیلمنامه، آن را چشم اسفندپار سینمای ایران توصیف کردند. [ادامه در صفحه ۱۰](#)



همزمان با اتمام جشنواره فیلم فجر، در قالب يك گزارش تحلیلی این دوره را بررسی کرده‌ایم

دوربین به دست در چهار گوشه ایران

سلام بر منافع ملی

دیگر محور مهم این دوره از جشنواره، حضور چند اثر بود که با محوریت منافع ملی ساخته شده و در زمره آثار راهبردی قرار می‌گیرند.

این آثار هرچند ممکن است از نظر کمی عدد بالایی نداشته باشند اما قوت داستان و همچنین نوع فضایی که فیلم در آن قصه خود را روایت می‌کند به اندازه‌ای جذاب و البته سخت بود که همزمان مورد توجه مخاطبان عام و خاص قرار گیرد. فیلم شبی که ماه کامل شد به تهیه‌کنندگی محمدحسین قاسمی و کارگردانی نرگس آبیاری و ماجرای نیمروز در خون به تهیه‌کنندگی سیدمحمود رضوی و کارگردانی محمدحسین مهدویان دو نمونه برتر این دوره بودند؛ آثاری که یکی داستانی مرتبط با پرونده‌ای مهم امنیتی و ملی را در شرق کشور محور قرار داده و دیگری هم عین همین کار را با يك پرونده مهم در غرب کشور انجام داده بود.

دو فیلمی که از بخش سودای سیمرغ هم مجموعه ۹ سیمرغ مهم را به خود اختصاص دادند و در بخش آرای تماشاگران هم جزو پنج فیلم برتر از نظر تماشاگران قرار گرفتند. به جز این دو اثر، فیلم ۲۳ نفر به تهیه‌کنندگی مجتبی فرآورده و کارگردانی مهدی جعفری که با اقتباس از دو کتاب این بیست و سه نفر و ملاصالح و با الهام از يك ماجرای واقعی ساخته شده بود هم نسبتاً موفق‌ظاهر شد.

از این نظر، منافع ملی سهم قابل توجهی در جشنواره امسال داشت؛ هم در میان آثار هم در میان سیمرغ‌ها.



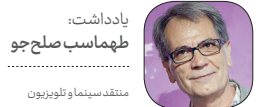
سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر هم در نهایت با برگزاری اختتامیه در سالن همایش‌های برج میلاد به‌کار خودش پایان داد. جشنواره سال جاری به دلایل متعدد تفاوت‌های محسوس و ملموسی با سال‌های قبل داشت. تفاوت‌هایی که در صورت پرورش و توجه به آنها می‌تواند راه را برای بهبود کمی و کیفی جشنواره هموار کرده و يك مسیر جدید برای سیاستگذاری مدیریت فرهنگی و سینمایی باز کند. در متن پیش‌رو کوشیده‌ایم بعضی از مهم‌ترین محورهای این تفاوت‌ها را با هم مرور کنیم.



محمدصادق علیزاده
فرهنگ و هنر

بزن بریم شهرستان

مهم‌ترین وجه تمایز فیلم‌های این دوره جشنواره فیلم فجر، بیرون زدن از فضای بسته آپارتمانی است. البته این مورد شاید خیلی مرتبط با جشنواره و مدیریت آن نباشد و بیشتر به بلوغ سینمایی فیلمسازان ما برگردد. بخش قابل توجهی از تولیدات سینمایی در جغرافیایی غیر از فضاهای بسته آپارتمانی و کوچه و خیابان‌های پایتخت تصویربرداری شده بودند. برای مخاطب و منتقدی که در سال‌های اخیر به نوعی به فضای آپارتمانی و پایتختی عادت کرده بود و باید نماهای متعددی از اتوبان‌ها و خیابان‌های پایتخت و برج میلاد را در فیلم‌های متعدد می‌دید، بسی ذوق‌آور بود که حالا فیلمسازهای ما در فیلم‌هایشان به جغرافیای دیگر نقاط کشور هم سر می‌زنند و آنها را به نماهای آثار خود اضافه می‌کنند. حتی مرور مکان‌های فیلمبرداری و جغرافیای تصویربرداری و تولید فیلم‌ها هم می‌تواند هر ناظر منصفی را به این نتیجه رهنمون کند که سینماگران ما آرام دارند از پیله تهران زده خود بیرون می‌آیند؛ رد خون (محمدحسین مهدویان) در غرب کشور، سمفونی نهم (محمدرضا هنرمند) در مناطق کویری و مرکزی استان کرمان، شبی که ماه کامل شد (نرگس آبیاری) در سیستان و بلوچستان، ناگهان درخت (صفی یزدانپان) در استان گیلان و شهر رشت، تختی (بهرام توکلی) در مناطق محروم جنوب تهران و مسجد سلیمان، روزهای نارنجی (آرش لاهوتی) در استان مازندران، قسم (محسن تنابنده) در استان گلستان و سمنان، سال دوم دانشکده من (رسول صدرعاملی) در اصفهان، قصر شیرین (رضا میرکریمی) در کهگیلویه و بویر احمد و طلا (پرویز شهبازی) در مناطق کوهستانی غرب کشور تنها همین فیلم‌ها تقریباً نصف آثار حاضر در بخش سودای سیمرغ را به خود اختصاص می‌دهند.



یادداشت:
طهماسب صلح‌جو
منتقد سینما و تلویزیون

جشنواره فجر با دوره‌های پیشین چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد

نفس سینمایی

در هوای تازه

جشنواره‌ای که امسال برگزار شد، دنباله همان سری از جشنواره‌هایی است که سال‌های قبل برگزار می‌شد یعنی با همان ویژگی‌های همیشگی و مختصاتی که با هیچ جشنواره دیگری قابل مقایسه نیست.

این ادامه همان راه است و مثل همیشه روند سینمای ایران در این روزها با دقت بیشتری زیر ذره‌بین قرار می‌گیرد. به همین دلیل نمی‌توان گفت که امسال اتفاق ویژه و عجیب و غریبی افتاده است اما در مورد فضای کارهای این دوره می‌شود اظهار نظر کرد.

در این جشنواره فیلم‌هایی را دیدیم که نتیجه انتخاب هیات داوران بودند و در بین اغلب آثار نکته مهمی که وجود دارد حضور نسل جوان و تازه نفسی است که وارد سینما شده‌اند، گروهی که با مشاهده همین آثار همه را متوجه نگاه جدید به سینما و شرایط اجتماعی معاصر کردند.

در این میان همان فیلم‌هایی مورد توجه بینندگان قرار گرفتند که سازندگان جوانی داشتند مثل «متری شش و نیم» که دومین فیلم سعید روستایی بود، «تختی» یا «حمال طلا» که اولین سینمایی آقای اصلائی است و کارهای دیگری که هر کدام ویژگی‌های خود را داشتند و امیدهای آینده این سینما هستند.

نکته دیگری که امسال وجود داشت استفاده از فضاها و لوکیشن‌های متنوع در فیلم‌ها بود.

در این دوره اغلب آثار از خانه‌ها و فضاهای بسته فاصله گرفته و در مناطق یا حتی شهرهای مختلف ضبط شده بودند، اتفاقی که البته به سختی کار هم اضافه می‌کند اما باعث شد تا در فضاهای متنوع‌تری انواع درام‌ها و داستان‌ها را منعکس کنند. یکی دیگر از مشخصه‌های فیلم‌های امسال این بود که فقط مخاطب خاص را در نظر ندارند و اکثر آنها می‌توانند برای تماشاگران عام سینما هم جذاب و تماشایی باشند، با این وجود در بین همان کارها هم آثاری بودند که بدون توجه به حوزه عام تولید شدند ولی باز هم فضای غالب به سمت مخاطب پسند بودن در سطح گسترده جامعه معطوف شده است و می‌توانند در اکران عمومی هم برای تماشاگران دوست‌داشتنی و موفق عمل کنند.

در کل هرچند که اغلب فیلم‌ها در هر سالی از نظر تم و محتوای کلی شبیه به هم هستند چون همه به بحران‌ها و مسائل مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی